

## کارهایی که بعد از سرقت باید انجام داد

سرهنک کارآگاه محمدرضا افراز، رئیس اداره مبارزه با سرقت منزل

بسیاری از شهروندان چه در کلانشهرها، شهرها و روستاها بر این باورند که سارقان فقط ویلاها و منازل مجلل و فانتزی را هدف دستبرد قرار می‌دهند، در حالی که چنین برداشتی کاملاً اشتباه بوده و این اتفاق ناگوار ممکن است برای هر فردی چه در شهر و چه در روستا رخ دهد.

باید قبول کنیم که گاهی اوقات این اتفاق به دلیل سهل‌انگاری شهروندان در موارد ایمنی منزل، نبود درهای مقاوم و محکم (هر چند تاکنون درب‌های ضد سرقت از سوی پلیس تایید نشده است) یا حتی

جدی نگرفتن رعایت نکات ایمنی مثل دوربین، آژیر خطر و... پیش می‌آید. با توجه به این‌که در این‌گونه موارد صاحبخانه بخشی از وسایل و اموال خود را از دست داده، قطعاً متحمل آسیب‌های روحی نیز شده است. اما با وجود این لازم است اقداماتی به شرح ذیل را انجام دهد:

۱- از منزل خارج و از فرزندان خود مراقبت کرده و با پلیس ۱۱۰ تماس بگیرید. بعضی مواقع سارقان به دلیل رسیدن صاحبخانه یا ناتمام ماندن سرقت، در خانه پنهان می‌شوند که تهدیدی جدی برای امنیت خانواده خواهد بود. از این‌رو بهتر است به محض این‌که تشخیص دادید منزل شما مورد سرقت قرار گرفته از منزل خارج شوید و به پلیس ۱۱۰ اطلاع دهید.

۲- تا قبل از حضور پلیس از دست زدن به اموال، اجناس، کتوهای

رودرو

تشر

۲ | ویژه‌نامه حوادث | روزنامه جام جم

چهارشنبه ۲۴ مرداد ۱۴۰۳ | شماره ۱۰۷۱

چه شک می‌کنند، ما با پول اولیه با قیمت آزاد می‌خریدیم و به قیمت حواله‌ای می‌فروختیم و فرد خودروی خود را سر موقع تحویل می‌گرفت. وقتی می‌دید خودرو دارد به بقیه هم معرفی می‌کرد.

چقدر گرفتید؟

به جایی رسیدیم که ۵۰۰ میلیارد از پول مردم دست ما بود و باید ۸۰۰ میلیارد ماشین می‌خریدیم، گفتیم دیگر بس است و وقت فرار است، اما قبل از این‌که بتوانیم از کشور خارج شویم دستگیر شدیم.

چند شاکی دارید؟

۴۰۰ نفر به جرم کلاهبرداری از ما شکایت کرده‌اند. البته برخی‌ها از شاکیان پول پنج تا هشت خودرو را به ما داده بودند.

با پول‌ها چه کار کردید؟

بخشی را تبدیل به املاک و طلا کردیم و با بخشی ارز خریدیم که از کشور خارج شویم که نتوانستیم.

حالا چه می‌شود؟

باید به زندان برویم و با فروختن املاک، ارز و طلا پول مردم را برگردانیم و فکر می‌کنم به خاطر شرایط بازار ۴۰ میلیارد تومانی هم بدهکار شویم و فعلاً در زندان آب خنک بخورم.

آیا این کار ارزشش را داشت؟

خلاف‌کردن ریسک است. اگر من از کشور می‌رفتم تا آخر عمر تامین بودم و ارزشش را داشت، ولی وقتی نفتم و دستگیر شدم، معلوم است که نمی‌ارزد.



عکس‌ها از تینیا است

رودرویی کلاهبردار حرفه‌ای پیش فروش خودرو

## کلاهبرداری ۲/۵ میلیاردی طی دو ماه

خودت را معرفی کن

مسعود ۳۴ ساله هستم.

سابقه داری؟

خیر. اولین بار است که دستگیر می‌شوم.

شغل چیست؟

نمایشگاه ماشین داشتم و خریدوفروش می‌کردم.

چرا به فکر کلاهبرداری افتادی؟

اوضاع بازار خراب شد و در آستانه ورشکستگی بودم. دوستم آمد و پیشنهاد داد که کلاهبرداری

کنیم و من هم به خاطر شرایط مالی قبول کردم.

چگونه کلاهبرداری می‌کردید؟

من یک میلیارد تومان پول داشتم. دوستم هم مقداری پول آورد. با آنها چند ماشین صفر خریدیم. بعد شروع به تبلیغ کردیم که ماشین صفر را به قیمت حواله‌ای می‌فروشیم، چون قیمت زیر بازار بود افراد وسوسه می‌شدند. بخرند.

کسی شک نکرد؟

با یک میلیارد تومان کلاهبرداری خود را شروع کردند و ظرف کمتر از دو ماه ۵۰۰ میلیارد تومان پول در حسابشان بود. از دو مرد جوان صحبت می‌کنیم که با روش فروش خودرو به قیمت حواله توانسته بودند سر صدها شهروند کرچی را کلاه گذاشته و به راحتی میلیاردها تومان پول به جیب بزنند. کلاهبرداران خوشفکر دیگر قصد خروج از کشور را داشتند که لو رفته و دستگیر شدند. در ادامه گفت‌وگو با طراح این کلاهبرداری را می‌خوانید.

## لجبازی خطرناک با شوهر

## نظریه کارشناس



بدون شک هر زوجی با هر درجه از عشق و علاقه نسبت به یکدیگر به دلایل مختلف در طول زندگی مشترک خود با چالش‌هایی روبه‌رو می‌شوند. نکته مهم در این موقعیت‌ها، برخورد عاقلانه با مسائل و مشکلات و رسیدن به راه حل مناسب است. متأسفانه اکثر زوج‌ها که از لحاظ روحی و فکری نابالغ و کودک مانده‌اند، در برخورد با کوچک‌ترین موضوع و ناکامی، یک بحث کوچک را تبدیل به یک جنگ تمام‌عیار کرده و گمان می‌کنند پیروز کسی است که بیشترین تهمت و تحقیر و رفتارهای تهدیدآمیز را نثار دیگری سازد. غافل از این‌که این نوع رفتار موجب دوری از یکدیگر شده و کدورت و ناراحتی جایگزین همیشگی محبت از دست رفته خواهد شد. بر همین اساس بهتر است تصمیم عاقلانه متناسب با شرایط زندگی و شخصیت همسران که در نهایت منجر به جذب وی به کانون خانواده می‌شود از سوی هر یک از زوجین صورت پذیرد و از طردشدن از کانون خانواده جلوگیری شود.

بالاخره آن قدر بحث بین ما بالا گرفت که من تهدید کردم ماشین را نگه دارد تا پیاده شوم وگرنه خودم را از خودرو بیرون می‌اندازم. او هم ماشین را نگه داشت و من پیاده شدم و کنار خیابان ایستادم تا برای خودم تاکسی بگیرم. هرچه همسرم اصرار کرد و خواست تا برگردم قبول نکردم و از او دور شدم. در همین گیرودار یک خودروی گران‌قیمت مقابل پایم توقف کرد و من در یک لحظه فقط به کم‌کردن روی همسرم فکر کردم و بدون توجه به عواقب کارم، سوار خودروی مرد غریبه شدم. آن شب مرد غریبه مرا به خانه مجردی خودش برد و بارها توسط او و هم‌خانه‌اش مورد آزار و اذیت قرار گرفتم و فردای آن روز، سرافکننده و زخم خورده رهایم کردند. نمی‌توانم کسی جز خودم را مقصر این اتفاقات بدانم. دیگر روی برگشتن به خانه را هم ندارم. به خاطر یک تصمیم احساسی و عجولانه هم زخمی عمیق به جسم و روح خودم زدم و هم زندگی مشترک و آینده‌ام را به نابودی کشاندم. می‌دانم فرد آزارگر توسط همکاران‌تان دستگیر می‌شود و مجازات خواهد شد اما چیزی در زندگی من عوض نمی‌شود. من زندگی حال و آینده‌ام را پای تصمیم نادرست خودم باختم.

سرگرد سمانه مهربانی، معاون اجتماعی پلیس آگاهی پایتخت

زن جوان مجالده شده بود روی نیمکت و منتظر بود تا با اعلام افسر پرونده برای پیگیری پرونده‌اش به داخل اداره شانزدهم آگاهی برود. از نوع پوشش و ظاهرش مشخص بود که حال و روز خوشی ندارد. کنارش نشستم و با معرفی خودم از او خواستم، اگر مایل است در مورد علت مراجعه‌اش به پلیس آگاهی بگوید تا در قالب داستان برای آگاهی بخشی شهروندان استفاده کنم.

زن آهی کشید و گفت: داستان مرا منتشر می‌کنید؟!

گفتم بله.

مکنی کرد و گفت: حتماً این کار را بکنید تا همه بخوانند و عبرت بگیرند از سرگذشت زنی مثل من که در یک لحظه زندگی مشترک و آینده‌اش را پای یک لعبازی پجگانه سوزاند. چند شب قبل همراه همسرم به یک دورهمی خانوادگی رفتم. در طول مهمانی من بابت بعضی از رفتارها و حرف‌های همسرم عصبانی شدم. مهمانی که تمام شد و راهی خانه شدیم، من از همان لحظه شروع کردم به سروصدا و دعوا با همسرم، او هم به جای آرام کردن من، پایه‌پای من بحث می‌کرد و داد می‌زد.